

گزیده‌ای از روزنامه شکوفه
دومین روزنامه زنان در ایران

حیات وفیه



به کوشش:
زهره ترابی

www.ketab.ir

عنوان و نام پدیدآور: جریده فریده: منتخبی از روزنامه شکوفه/ به کوشش زهره ترابی

مشخصات نشر: تهران: نشر اطراف، ۱۴۰۱.

مشخصات ظاهری: ۲۴۰ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۱۹۴-۵۸-۷

وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا

موضوع: زنان -- ایران -- نشریات ادواری

رده بندی کنگره: PN۵۴۴۹

رده بندی دیویی: ۰۷۹/۵۵

شماره کتابشناسی ملی: ۸۷۸۹۰۸۰

جریه فیه

منتخبی از روزنامه شکوفه
به کوشش: زهره ترابی

ویرایش: الهام شوشتری زاده

بازبینی نهایی متن: هدیه رهبری

طرح جلد: هدی آیت

چاپ: کاج صحافی: نمونه

شابک: ۷-۵۸-۶۱۹۴-۶۲۲-۹۷۸

چاپ اول: ۱۳۹۱ ۱۰۰۰۰ نسخه

اطراف

همه حقوق چاپ و نشر این اثر برای «نشر اطراف» محفوظ است. هر گونه تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر (چاپی، صوتی، تصویری، الکترونیکی) بدون اجازه کتبی ناشر ممنوع است. نقل برش‌هایی از متن کتاب با ذکر منبع آزاد است.

تهران، خیابان شریعتی، خیابان قبا، کوچه کوروش، پلاک ۱۴، واحد ۲- تلفن: ۲۲۸۹۰۵۵۷

Atraf.ir



فهرست

۲۷	مقدمه نویسنده	۱۶۲	وطن دوستی و وطن خواهی
۳۱	سواد آموزی زنان	۱۸۹	رپورت مدارس نسوان
۷۳	حفظ الصحة خواتین	۲۱۳	مکتوبات داده
۹۹	در تربیت دوشیزگان	۲۲۴	واژگان و پی نوشت ها
۱۳۱	درباره خانم های اروپ و ممالک متهمند		

مقدمه

آدمیزاد همیشه به چیزی در گذشته‌اش افتخار می‌کند. پدر بزرگم به سواد مادرش افتخار می‌کرد؛ مزیتی که برای او خیلی مهم بود و با سر بلند درباره‌اش حرف می‌زد: «هر خطی رو که کسی نمی‌توانست بخوانه، می‌آوردن پیش مادر من.» این حرف باباجان تا سال‌ها برایم عادی بود؛ گزاره‌ای خبری که اگر در ذهنم ادامه‌اش می‌دادم، می‌رسیدم به این‌که خب آن وقت‌ها مردم این قدر با سواد نبودند و سواد گوهر خانم خیلی به چشم می‌آمده. اما برای باباجان که متولد ۱۲۹۴ بود ماجرا فرق می‌کرد. او و مادرش چیزهایی را زندگی کرده بودند که ما گوشه‌هایی از آن را در کتاب‌های تاریخ خوانده‌ایم. طبق سرشماری‌های سال ۱۳۰۱ شمسی در تهران که پایتخت بوده فقط هفده درصد مسلمانان سواد داشته‌اند. بیش از هفتاد درصد این هفده درصد هم مرد بوده‌اند. حالا اگر برگردیم به عقب‌تر، می‌بینیم برای زنی که بین سال‌های ۱۲۶۰ تا ۱۲۷۰ در روستایی کویری و دور از پایتخت متولد شده سواد چقدر ارزشمند محسوب می‌شود.

مخصوصاً اگر بدانیم سال‌ها بعد از تولد او حسین قلی خان نظام السلطنه، صدراعظم محمدعلی شاه، در نامه‌ای نوشته:

از ایجاد عالم الی اکنون، برای زن عفت و عصمت ممدوح بوده است نه خط و سواد. از زن ضبط و ربط خانه‌داری خواسته‌اند نه خوب‌نویسی. برای طبقه نسوان خط حرام حرام حرام است. سواد جزئی ضرر ندارد.

همه پسرها و عروس‌های گوهرخانم از دنیا رفته‌اند. از آن نسل کسی باقی نمانده که بداند داستان سوادآموزی او در چنان روزگاری چه بوده است. هرچه مانده خاطرات پراکنده‌ای است که بقیه از باباجان نقل کرده‌اند. خاطراتی که قبلاً بهشان فکر نکرده بودم اما در روزهایی که روزنامه شکوفه را می‌خواندم و کارهای این کتاب را انجام می‌دادم، یادم آمدند.

شکوفه دومین نشریه زمان است که به همت مریم عمید در سال‌های پایانی دوره قاجار منتشر شد. مریم عمید ملقب به مزین السلطنه سال ۱۲۶۱ هجری شمسی به دنیا آمد و تقریباً همسن و سال گوهرخانم بود. روی نقشه جغرافیا هم محل تولدشان فاصله زیادی با هم نداشت. مزین السلطنه در سمنان متولد شده بود. پدرش رئیس‌الاطباء - پزشک قشون ناصرالدین شاه - بود و مادرش از دختران دربار ناصری. یک برادرش فرماندار تهران بود و دیگری نماینده مجلس. گوهرخانم اما در یکی از روستاهای دامغان به دنیا آمده بود و همین. اطلاعات دیگری از او نداریم، جز این‌که در جوانی همسرش را از دست داد و با سه بچه کوچکش زندگی‌اش را جمع کرد و به شهر آمد. ظاهراً مهاجرت بزرگی نبوده ولی یک قرن قبل این کار برای مادری جوان و تنها، بدون پشتوانه مالی، دشوار بود. گوهرخانم از پس اداره خانواده‌اش برآمد. در شهر با نانوائی، پسرانش را بزرگ کرد و البته اعتباری هم به دست آورد. سوادش او را از زنان و حتی مردان

شهری جلو انداخت و توانست بدون قوم و خویش یا آشنایی در جامعه سنتی و مردسالار آن زمان برای خودش شأن و جایگاه اجتماعی پیدا کند. سواد سکوی پرش بود؛ نه تنها برای او، که به گواه روزنامه شکوفه برای همه دانش‌آموختگان هم‌نسلس. یکی زندگی‌اش را به اندازه مهاجرت از روستا به شهر و کسب اعتبار در جامعه‌ای کوچک ارتقا می‌داد و دیگری به اندازه تأسیس روزنامه، دایر کردن مدرسه و مشارکت در برپایی یکی از اولین انجمن‌های اجتماعی زنان ایران.

جریده فریده منتخبی از روزنامه شکوفه است و طبق انتظار باید از همان ابتدای مقدمه درباره خود نشریه و تأثیرش بر زنان و کل جامعه حرف زد اما هویت شکوفه با هویت صاحب امتیاز و مدیرمسئولش گره خورده است. اگرچه به قول خود مزین السلطنه «روزنامه زبان ملت است»، مدیریت سیاست‌مداران او بود که باعث شد بسیاری از اولین‌ها در تاریخ مطبوعات زنان، مثل اولین نقدهای اجتماعی در قالب کاریکاتور، به نامش ثبت شود. مریم عمید زنی اهل فکر، شجاع و دلسوز بود و جسارتش در انجام کارهای نو نام او را در تاریخ زنده نگه داشته است. بعد از صد سال و گذر از فراز و فرودهای تاریخی فراوان کشور، امروز می‌توانیم بگوییم که «صبیه مرحوم آقا میرزا سید رضی رئیس‌الاطباء» جلوتر از زمانش حرکت می‌کرد. دغدغه‌های او درباره تربیت و سلامت جسمی و روانی دختران و زنان، تلاشش برای سوادآموزی دختران و تدوین برنامه‌های درسی مدارس دخترانه و فعالیت‌های مدنی‌اش برای آبادانی کشور هنوز تأمل‌برانگیز است.

این کارها نتیجه تربیت و تحصیل او بود. مریم عمید از همه امتیازات و امکاناتی که در اختیارش بود به‌درستی استفاده کرد: درس اولیه را از پدرش یاد

گرفت و برای آموختن علوم مختلف به استادان سرشناس مراجعه کرد. سراغ عکاسی رفت، به زبان فرانسه مسلط شد و دانشش را گسترش داد. بسیاری از مطالب نشریه را خودش نوشته و به گواه همین مطالب می توان ادعا کرد که قلم خوبی داشت. اهل شعر و ادبیات بود و کتاب می خواند و گاهی در نوشته هایش به کتاب ها ارجاع می داد. مثلاً در اولین مطلب از شماره نخست روزنامه شکوفه حرفش را با بخش هایی از دیباچه خیرات حسان شروع کرده: کتابی که در آن اعتمادالسلطنه، وزیر انطباعات دوره ناصری، شرح حالی از زندگی زنان مشهور را نقل کرده است. مزین السلطنه با قرآن و مفاهیم دینی هم به خوبی آشنا بود و مثل خیلی از همفکرانش تلاش می کرد از حق و حقوق زنان در چهارچوب قواعد دینی دفاع کند. در آن روزگار یکی از مهم ترین دلایل زنان برای داشتن حق تحصیل اشاره به حدیث «طلب العلم فریضة علی کل مسلم و مسلمة» بوده که مزین السلطنه هم به آن اشاره کرده است. علاوه بر این ها، به منابع خارجی هم دسترسی داشت و حتی چند کتاب هم از فرانسوی به فارسی ترجمه کرده بود.

انتشار شکوفه از سال ۱۲۹۱ خورشیدی شروع شد و تا سال ۱۲۹۵ ادامه پیدا کرد. این نشریه چهارصفحه ای هر دو هفته یک بار در قطع رحلی منتشر می شد. فرم و محتوای آن در چهار سال انتشارش چند بار تغییر کرد. شکوفه در سال اول انتشار، چاپ سنگی با خط نسخ و سپس نستعلیق داشت و از سال دوم به بعد با حروف سربی منتشر شد. با توجه به وضعیت اجتماعی و سیاسی ایران در سال های حکومت احمدشاه و وقوع جنگ جهانی اول سیاست نشریه هم به مرور عوض شد و محتوای تربیتی کم کم جای خود را به دغدغه های وطن دوستانه داد. بعضی از شماره های این نشریه به موضوعات

مختلف پرداخته‌اند و بعضی دیگر تنها به یک مطلب اختصاص دارند. گاهی شروع نشریه با اعلان و اعتذار و اخطار است و گاهی در صفحه آخرش کاریکاتور چاپ شده است. در بعضی از شماره‌های شکوفه مدیرمسئول درباره سختی‌های کار و تغییراتی که به خاطر همین مشکلات اتفاق می‌افتاده توضیح داده است، مثلاً در اولین شماره سال دوم انتشار روزنامه نوشته:

خیلی معذرت می‌خواهم از مشترکین عظام که به ترتیب صحیح که قرار داده بودم نتوانستم ماهی دو نمره شکوفه را برسانم ولی خدای من شاهد و گواه است که ذره‌ای در این خصوص تقصیری نداشته، تمام سبب تأخیر با کاتب و چاپخانه بود که ده روز پیش کاتب می‌ماند. بعد از ده روز که می‌آورد غلط، مجدداً برمی‌گشت باز چند روز معطل می‌کرد، بعد برزخ دوم را طی می‌کرد که چاپخانه باشد. چند روز هم در چاپخانه مشغول حساب پس دادن بود. آخر هم که می‌آوردند یا تاریخ نداشت یا ریخته.

در چنین شرایطی چاپ کاریکاتور هم سختی‌های کار را چندبرابر می‌کرد. مزین السلطنه در شماره هشتم سال سوم، پس از تبریک سال نو، درباره انتشار کاریکاتور نوشته:

هر نمره که اقتضا نماید کاریکاتور اخلاقی و حفظ‌الصحة و بشریتی تشکیل می‌شود اگرچه اسباب خیلی ضرر است و از بابت این که کاغذ و سایر لوازم دیگر خیلی گران شده است و اداره متضرر شده است.

به همین دلیل تنها در پایان تعداد اندکی از شماره‌های نشریه کاریکاتور منتشر شده است: سیزده کاریکاتور در سال اول و سه کاریکاتور در سال سوم. هر کاریکاتور، برای رساندن کامل‌تر پیام، علاوه بر تصاویر پر جزئیات و دقیق کاریکاتوریست‌ها متن مفصلی هم دارد. نشر متن کاریکاتورها متفاوت با بقیه

مطالب روزنامه است. بیشتر گفت وگوها به زبان محاوره نوشته شده‌اند و به جای نکات ادبی از ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات عامیانه زیادی استفاده شده است. غلط‌های نگارشی و اشتباهاتی مثل هکسره که در سال‌های اخیر بسیار فراگیر شده در متن کاریکاتورها فراوان دیده می‌شود. برخلاف چیزی که انتظار داریم، در کاریکاتورهای شکوفه کمتر نکته طنزآمیزی در تصاویر و گفت وگوها دیده می‌شود و کاریکاتورها بیشتر به دنبال نقد اجتماعی و بیان دغدغه‌های جامعه‌اند. مسائلی مثل مشکلات خانوادگی، تفاوت آموزش به شیوه قدیم و جدید، مراجعه به رمال، وطن دوستی، نکات بهداشتی، چشم و هم‌چشمی و خودکشی با تریاک که در آن زمان بسیار رایج بود، از موضوعات کاریکاتورها هستند.

گرافیک و فرم نوشتاری در مطالب شکوفه تقریباً یکسان است و این نشریه برای تمایز مطالب مختلف از عناوینی مثل مقاله، مکتوب، لایحه، رقعہ، اعلان و اعتذار استفاده کرده است. روزنامه‌های امروز برای ارائه‌ی موضوعات و بازنمایی دغدغه‌های مختلف از قالب‌های متنوعی مثل گزارش، گفت وگو، یادداشت و مانند این‌ها کمک می‌گیرند. اما مطالب شکوفه از این نظر تنوع زیادی ندارند. اگر شکوفه به چشم روزنامه‌ی امروزی خوانده شود، بیشتر مطالب آن را می‌توان در ستون و صفحات یادداشت نشریات زمان ما منتشر کرد. البته مطالبی هم داشته که به گزارش‌های مطبوعاتی شبیه‌اند؛ مثل «نخستین قونقره نسوان»، که گزارشی درباره‌ی انجمنی از زنان مسلمان هندی به نقل از نشریه‌ای دیگر است. از ارزشمندترین مطالب این روزنامه گزارش‌هایی راجع به مدارس دخترانه است. در این گزارش‌ها شرح کاملی از وضعیت مدارس، نام دانش‌آموزان و آماری از تعداد آن‌ها و قبولی‌ها هم ارائه شده است.